

بررسی اثر باورهای دینی - ملی بر فردگرایی عمودی (مورد مطالعه: شهروندان شهر تهران)

فرشاد نجفی اسدالهی^۱

مجید کفاشی^۲

بهرنگ صدیقی^۳

تاریخ وصول: ۹۷/۱۰/۲۸

تاریخ پذیرش: ۹۸/۰۱/۱۸

چکیده

فردگرایی به عنوان مفهومی مدرن از مشخصه‌های اصلی مدرنیته است. آنچه در تبیین و تحلیل فردگرایی باید لحاظ گردد توجه به ابعاد مختلف آن است. در نوعی از فردگرایی فرد نفع شخصی خود را دنبال می‌کند که فردگرایی عمودی نامیده می‌شود. پژوهش حاضر با بررسی اثر باورهای دینی - ملی بر فردگرایی عمودی انجام شده است. پژوهش حاضر از حیث هدف کاربردی، از حیث معیار تحلیل توصیفی - پیمایشی است. جامعه آماری کلیه شهروندان تهرانی بالای ۲۵ سال شهر تهران می‌باشد و حجم نمونه با فرمول کوکران ۴۰۰ نفر در نظر گرفته شد. هم‌چنین اطلاعات این افراد به شیوه نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای گردآوری شده است. ابزار جمع‌آوری اطلاعات، پرسشنامه محقق ساخته می‌باشد. یافته‌های پژوهش نشان داد که رابطه متغیر دین‌داری و فردگرایی عمودی معکوس و مقدار همبستگی برابر ۰/۳۸۵- و رابطه متغیر نشان ملی (پرچم) و فردگرایی عمودی معکوس و مقدار همبستگی برابر ۰/۴۵۶- شده است. هم‌چنین همبستگی جمعی دو متغیر دین‌داری و نشان ملی (پرچم) با فردگرایی عمودی برابر ۰/۷۲۵- و ضریب تعیین برابر ۰/۵۲۵ به دست آمد و متغیرهای دین‌داری و نشان ملی (پرچم)، به میزان ۵۲/۵ درصد از تغییرات متغیر «میزان فردگرایی عمودی» را تبیین می‌کنند.

واژگان کلیدی: فردگرایی، دین‌داری، نشان ملی (پرچم).

۱- دانشجوی دکتری، گروه جامعه‌شناسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

۲- دانشیار، گروه جامعه‌شناسی، واحد رودهن، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول). Majidkaffashi@Gmail.com

۳- استادیار، گروه جامعه‌شناسی، واحد رودهن، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

مقدمه

ظهور سرمایه‌داری اقتصاد کشاورزی، باعث تغییر نقش افراد در خانواده شد و در پی آن نهاد خانواده را دچار تحولات جدی کرد. از سوی دیگر در قرن نوزدهم اصطلاحی ابداع شد که خبر از ظهور پدیده‌ای شگرف می‌داد و آن «فردگرایی»^۱ بود (کیوستیو؛^۲ به نقل از صبوری، ۱۳۹۷: ۱۱۷) و به ویژگی‌هایی اطلاق می‌شود که زاده جهان مدرن است و لازمه آن رهایی از اجبارهای سنتی و سایه‌های زندگی یکسان روستایی است. برخی می‌اندیشند فردگرایی به معنای آن است که فرد چنان خودمحور می‌شود که تنها خود را می‌بیند و در همه‌جا فقط منافع شخصی خود را دنبال می‌کند؛ حتی اگر به قیمت فنا شدن خیر عمومی باشد. هنگامی که فردگرایی با رهایی از اجبارهای اجتماعی و شرایط ستمگرانه در ارتباط است مثبت تصویر می‌شود و وقتی به مفهوم جدایی از دیگران و نبود احساس تعهد متقابل نگریسته می‌شود منفی ارزیابی می‌شود. (کیوستیو؛ به نقل از صبوری، ۱۳۹۷: ۱۱۹).

جامعه‌شناسان بسیاری به حوادث قرن نوزدهم و تأثیرات آن بر نهادهای اجتماعی و هویت افراد اشاره و اذعان کرده‌اند در روند این تغییرات بسیاری از نهادهای اجتماعی نیز دچار تحولات قابل توجهی شدند که مهم‌ترین آن‌ها خانواده است. خانواده از مهم‌ترین نهادهای اجتماعی موجود در جوامع انسانی است و شک نیست که این نهاد به دلیل تأثیرگذاری در شخصیت افراد در تعامل گسترده‌ای با نهادهای دیگر و پدیده‌های اجتماعی قرار دارد. ژان استوتزل^۳ معتقد است علیرغم تغییرات نهاد خانواده این نهاد هم‌چنان بسیار مهم است و کارکردهایی اساسی برای فرد و جامعه به عهده دارد (ساروخانی، ۲۰۹: ۱۳۹۳).

فردگرایی به‌عنوان مفهومی مدرن از مشخصه‌های اصلی مدرنیته است. محققان مختلف کشورهای جهان سوم را اغلب فاقد فردگرایی دانسته‌اند و هوفستد^۴ (۲۰۰۳) و تریاندیس^۵ و دیگران (۱۹۹۰) ایران را از جمله کشورهای دارای فردگرایی پائین ذکر کرده‌اند. آنچه در تبیین و تحلیل فردگرایی باید لحاظ گردد توجه به ابعاد مختلف آن است. هرچند فردگرایی معمولاً یکی از مهم‌ترین شاخص‌های توسعه تلقی می‌گردد و معطوف به «خودباوری»، «خود شکوفایی»، «اعتماد به نفس»، «استقلال فردی»، «خود اثربخشی»، «احترام به فرد»، و ... است که همگی دارای بار ارزشی مثبت هستند، ولی دارای وجه خودخواهانه‌ای نیز هست که معطوف به خودمداری^۶، «منیت»، «کسب سود شخصی به قیمت متضرر شدن دیگران»، «داشتن شخصیت اقتدارگرا» و ... است. در نوعی از فردگرایی فرد در پی نفع شخصی خود در کنار نفع اجتماعی سایرین است و در دیگری فرد نفع شخصی خود را دنبال می‌کند به

-
- 1- Individualism
 - 2- Kivisto
 - 3- John Stoetzel
 - 4- Hofstede
 - 5- Triandis
 - 6- self- efficacy
 - 7- Egoism

این معنا که فرد حاضر نیست منافع فردی را فدای مصالح جمعی کند و به نفع همگانی توجه نماید. کمپل و ریف، این دو وجه را تحت عنوان فردگرایی «سودگرایانه» و فردگرایی «بیان‌گر» نام‌گذاری کرده‌اند (کیویستو، به نقل از صبوری، ۱۳۹۷: ۱۵۸).

رفتار افراد متأثر از فرهنگی است که در آن زندگی می‌کنند. فرهنگ جامعه نیز متشکل از قوانین، ارزش‌ها، و الگوهای حاکم بر آن جامعه می‌باشد. لذا شناخت الگوهای فرهنگی و اجتماعی و ویژگی‌های آن و نقشی که بر توسعه و دگرگونی‌ها دارند، از ضرورت‌های هر جامعه‌ای می‌باشد. از جمله این الگوهای فرهنگی، فردگرایی است. فردگرایی یکی از شاخص‌های توسعه به حساب می‌آید که دارای ابعاد مختلفی از جمله «احترام به فرد»، «اعتماد به نفس»، «خودشکوفایی»، «خودباوری»، «بازاندیشی»، و ... می‌باشد. هرچند، وجه منفی فردگرایی نیز وجود دارد که می‌توان به ابعادی چون «خودمداری»، «خودشیفتگی»، «جاه‌طلبی»، «منیت»، و ... اشاره کرد. این جنبه از هویت مدرن به فرد این اجازه را می‌دهد که خودمختار عمل کرده و در عرصه حیات فردی و اجتماعی خود دست به انتخاب زند. فردگرایی به‌عنوان یک متغیر مهم جامعه‌شناختی می‌تواند بر آگاهی تأثیر داشته و به تبع آن در دیگر حوزه‌های فردی و اجتماعی فرد وارد شود و آن‌ها را دگرگون سازد (خواجه نوری و همکاران، ۱۳۹۲).

جامعه ایران بخصوص در دهه‌ی اخیر تحت تأثیر تغییرات حاصل از داخل و خارج خود بوده است و ورود وسایل الکترونیکی و شبکه‌های مجازی و حتی ماشین‌آلات صنعتی، تعارض بین سنت و مدرنیسم را به‌حداعلای خود رسانده است. جامعه ما در تعارض بین سنت و مدرنیسم هنوز در تلاطم تعارض به سر می‌برد. از طرفی وجود سنت‌ها و ارزش‌های ریشه‌های مذهبی قوی و از طرفی دیگر زرق‌وبرق مظاهر غرب نسل جدید مردم ایران را در وضعیت اجتماعی و فرهنگی خاصی قرار داده است. در چنین وضعیتی فردگرایی عمودی یا خودخواهانه در میان افراد جامعه افزایش پیدا کرده و به‌عنوان یک مسئله مطرح شده است.

بنابراین ضروری است که فردگرایی و ابعاد آن و میزان آن در جامعه مشخص شود. از سویی دیگر، این تحقیق از چندین جهت برای جامعه مسئولین و خانواده‌ها دارای اهمیت و ضرورت است که می‌توان به دو حوزه کاربردی و بنیادی آن را تقسیم کرد. در حوزه کاربردی امروزه انزواطلبی و فردگرایی بخصوص با پیدایش شبکه‌های اجتماعی به اوج خود رسیده است. افراد در درون جامعه و خانواده دارای ارتباط موزاییکی می‌باشند که به‌نوعی روابط متقابل را مورد تعرض قرار داده است. اما از لحاظ بنیادی می‌توان گفت که انجام این تحقیق می‌تواند به یافته‌های پیشین ما از لحاظ بینشی و شناختی موارد متعدد نظری را اضافه کند که مبتنی بر شرایط جامعه‌ی فعلی مورد تحقیق ماست. بنابراین سؤال اصلی تحقیق ما این است که در بین شهروندان شهر تهران، میزان اثر باورهای دینی - ملی بر فردگرایی عمودی به چه میزان بوده و از بین عواملی که مطرح شد کدام عامل تأثیر بیش‌تری دارد؟

همراه با فردگرایی و عقلانیت ملازم با آن، بسیاری از ارزش‌های جامعه نیز از شکل یقینی خود خارج می‌شود و مورد بازاندیشی قرار می‌گیرد. ذهنیت ناشی از فردگرایی با شاخص‌هایی همچون نسبی شدن، عدم قطعیت، و بازاندیشی و ... اساساً آگاهی افراد را دگرگون کرده و پیش‌انگاشت‌های اساسی جهان اجتماعی را که قبلاً بدیهی تصور می‌شد به سؤال می‌کشد. علاوه بر این همان‌طور که هویت فرد در جامعه مدرن در معرض دگرگونی قرار می‌گیرد رابطه فرد با دین نیز دستخوش تغییراتی می‌شود. به عبارت دیگر همراه با فردگرایی، دین نیز به موضوعی انتخابی و باز اندیشیده شده تبدیل می‌شود (تریاندیس؛ به نقل از فتی، ۱۳۹۱: ۳۳).

دورکیم بر این باور است که با افزایش حجم و تراکم جامعه، وجدان عمومی عام‌تر می‌گردد و به موازات آن افراد گرایش‌ها متغیر و نوسانات فردی بیشتری را تجربه می‌کنند. به نظر او این تغییرات، تحولاتی را نیز در عنصر الهی و ماورایی و دین به‌عنوان یک سیستم یکپارچه از اعتقادات و اعمال مربوط به چیزهای مقدس و ممنوع به وجود می‌آورد. در بسیاری از اصول ایمانی که قبلاً ثابت فرض می‌شد عقل و منطق مداخله کرده و در مورد چگونگی قواعد دینی کنجکاوی می‌کنند (دورکیم؛ به نقل از پرهام، ۱۳۹۶: ۶۶).

از دید وبر در جامعه مدرن نه ساخت‌های کلان اجتماعی و اقتصادی و نه روایت‌های فردی بلکه عقلانیت تعیین‌کننده وضعیت عمل فردی است. در نظر او عقلانیت نگرشی فراگیر است که در تمام ابعاد زندگی اجتماعی و از جمله در قلمرو دین به‌عنوان گونه‌ای خاص از رفتار در اجتماع و وابسته به قدرت‌های ماوراءالطبیعه، تغییراتی را به وجود آورده است. از نظر وبر عقلانیت جامعه مدرن در حوزه دین با حذف جنبه‌های جادویی دین و رفع تناقضات و ابهامات در راه حل‌های رستگاری معنا پیدا می‌کند (وبر؛ به نقل از تدین، ۱۳۹۴: ۱۰۳).

گیدنز نیز در تبیین مفهوم فرد بر هویت شخصی تأکید می‌کند و فردی شدن را ناشی از کاهش تأثیر سنت در زندگی و مواجهه با آینده‌ای باز می‌داند. به نظر وی انتخاب یکی دیگر از مؤلفه‌های فردگرایی است که به دلیل عدم وجود باورهای تضمین‌شده، زندگی را از مجاری از پیش تعیین‌شده منحرف می‌سازد. گیدنز معتقد است در جامعه مدرن بازاندیشی و انتخاب به بازتابندگی ارزش‌ها منجر می‌شود. بدین ترتیب از جمله ارزش‌هایی است که مورد بازاندیشی قرار می‌گیرد (گیدنز؛ به نقل از صبوری، ۱۳۹۷: ۷۷).

در نظر برگر دین عملی انسانی است که عالمی مقدس را برای بشر بنانهاده است و در بخش بزرگی از این تاریخ، در ایجاد چتری فراگیر از نمادها برای یکپارچگی جامعه، نقشی اساسی بر عهده داشته است. با چندگانه شدن زیست جهان‌های اجتماعی، بی‌یقینی عمومی، خواه شناختی، خواه هنجاری که حاصل چندگانه شدن زندگی‌نامه و زندگی روزمره فرد است این وظیفه دین مورد تهدید قرار می‌گیرد. تا وقتی نمادهای دینی عملاً دربرگیرنده تمامی بخش‌های با معنای تجربه زندگی اجتماعی

فرد بودند، تمام افراد نمادهای یکسانی را تصدیق می‌کردند و با این کار خود بر اعتبار این نمادها صحنه می‌گذاشتند (برگر؛ به نقل از مرشدی، ۱۳۹۷: ۸۵). در این صورت تعاریف دینی در نبود تأیید دائمی اجتماعی و عمومی خصلت قطعی خود را از دست می‌دهند و در عوض به موضوع‌هایی انتخابی بدل می‌شوند. به همان‌گونه که تعاریف فرد در جامعه مدرن در معرض دگرگونی دائم قرار می‌گیرد رابطه‌اش با دین، تعاریف نهایی و غایی نیز دستخوش تغییر می‌شود. به عبارت دیگر باور دینی حکم تجربه جمعی را از دست داده و صورتی فردی به خود می‌گیرد (برگر؛ به نقل از مرشدی، ۱۳۹۷: ۸۷).

الیاس تحلیلش را با این تذکر آغاز می‌کند که انسان آرزوی معاشرت با انسان‌های دیگر را دارد و برای تحقق بخشیدن به این آرزو تا حدود زیادی به دیگری وابسته است این وابستگی ابتدایی به نیازهای جنسی محدود نمی‌شود، انسان‌ها همچنین برای ارضای تمایلات عاطفی‌شان نیز به یکدیگر نیاز دارند. می‌توان استدلال را بسط داد و اضافه کرد که معکوس یک تمایل عاطفی احساس نفرت شخصی است در برابر اشخاصی که آنان را ناشایست یا غیرقابل تحمل می‌یابد، خواه به دلیل ظاهرشان، خواه بوی بدی که بدنشان ساطع می‌شود، و خواه به دلیل رفتارهای اجتماعی‌شان (الیاس؛ به نقل از فرجی، ۱۳۹۵).

الیاس درصدد است تفکرش را در راستای تفکر دورکیم توضیح دهد. برای دورکیم روابط اجتماعی در جامعه‌های مدرن، به تقسیم‌کار و مکمل‌بودگی اندامواره‌های انسان‌ها بستگی دارد. الیاس این تفسیر دورکیم را زیر سؤال نمی‌برد، اما خاطر نشان می‌کند که نباید به وابستگی‌های متقابل غیرشخصی اکتفا کرد. بلکه باید وابستگی‌های متقابل شخصی و، مخصوصاً، روابط عاطفی را، به‌عنوان عوامل رابطه اجتماعی، در بدنه تحلیل جامعه‌شناختی جدی کرد. در واحد اجتماعی کوچکی چون ایل، حتی اگر شبکه‌های ارتباطی شخصی هر یک از افراد، به لحاظ وابستگی‌های عاطفی ارضا شده یا نشده، بتوانند پیکربندی‌های متفاوت با یکدیگر تشکیل دهند، می‌توان به‌آسانی آن‌ها را بازسازی کرد، زیرا این پیکربندی‌ها می‌تواند همه افراد تشکیل‌دهنده این واحد کوچک اجتماعی را در برگیرد. الیاس یادآوری می‌کند، وقتی واحدهای اجتماعی بزرگ‌تر می‌شوند، روابط عاطفی جدیدی پدیدار می‌شوند. این روابط فقط روی اشخاص متبلور نمی‌شوند، بلکه بیش‌ازپیش به فراوانی بر نمادهای خاص واحد اجتماعی بزرگ‌تر، نشان‌ها، پرچم‌ها و سایر مفاهیم دارند. بار عاطفی تمرکز می‌یابند. این روابط احساسی متبلور در صورت‌های نمادی برای وابستگی‌های متقابل انسانی همان‌قدر مهم‌اند که وابستگی‌های متقابل افراد که از تقسیم‌کار اجتماعی و تخصصی شدن فزاینده وظایف در جامعه‌های مدرن ناشی می‌شوند (پوگام، ۱۳۹۵: ۶۰-۶۷).

روان‌شناسان اجتماعی - فرهنگی و جامعه‌شناسان می‌خواهند بر این واقعیت تأکید کنند که احساس هویت به‌واسطه دیالکتیک میان فرد و جامعه شکل می‌گیرد. در این راستا، از دیدگاه مید تصویری که فرد از خود می‌سازد و احساسی که نسبت به خود پیدا می‌کند بازتاب نگرشی است که دیگران از او دارند (گل محمدی، ۱۳۹۲: ۲۲۳). در این میان، یکی از مهم‌ترین انواع هویت، هویت ملی است، زیرا نقشی

تعیین‌کننده در حوزه‌های فرهنگ، اجتماع، سیاست و حتی اقتصاد دارد. به عبارت دیگر، هویت ملی فراگیرترین و درعین حال مشروح‌ترین سطح هویت در همه نظام‌های اجتماعی، جدا از گرایش‌های عقیدتی است. در واقع هویت ملی اصلی‌ترین سنتز و حلقه ارتباطی بین هویت‌های خاص محلی و هویت‌های عام فراملی است (رستگار و ربانی، ۱۳۹۲).

آشوری استدلال می‌کند که هویت ملی نوعی آگاهی جمعی است، یعنی آگاهی از تعلق به ملت که آن را «آگاهی ملی» می‌خوانند. آگاهی ملی، اغلب پدیدآورنده حس وفاداری، شور، و دل‌بستگی افراد به عناصر تشکیل‌دهنده ملت (نژاد، زبان، سنت‌ها و عادت‌ها، ارزش‌های اجتماعی، اخلاقی، و به‌طور کلی فرهنگ) است و گاه موجب بزرگداشت مبالغه‌آمیز از آن‌ها و اعتقاد به برتری این مظاهر بر مظاهر ملی دیگر ملت‌ها می‌شود (آشوری، ۱۳۹۴: ۳۱۹). همچنین باوند (۱۳۹۴) معتقد است که هویت ملی فرآیند پاسخ‌گویی آگاهانه یک ملت به پرسش‌هایی درباره خود، گذشته، کیفیت، زمان، تعلق، خاستگاه اصلی و دائمی، حوزه تمدنی، جایگاه سیاسی، اقتصادی و فرهنگی، و ارزش‌های ملهم از هویت تاریخی خود است (آشوری، ۱۳۹۴: ۳۲۱). بسیاری از محققان به وجود رابطه بین فرهنگ و هویت ملی اشاره کرده‌اند. در این راستا، برای مثال معینی علمداری معتقد است که سازوکار اصلی که هویت ملی بر اساس آن شکل می‌گیرد شامل ارزش‌ها، طرز تلقی‌ها و شناسایی‌های فرد از جهان است (خلیلی اردکانی و همکاران، ۱۳۹۲: ۴۹-۵۰).

دوورژه تعریف ملت به‌عنوان مجموعه فرهنگی را کلی‌ترین و صحیح‌ترین تعریف می‌داند، زیرا فرهنگ ملی دارای اصالت برجسته‌ای است و هویت‌های ملی مهم‌ترین و مشخص‌ترین مجموعه‌های فرهنگی هستند. هانتینگتون (۲۰۰۴) معتقد است که ارزش‌های فرهنگی به‌طور مشخص بر فرآیندها بی‌نظیر هویت تاریخی، ملی، تمدنی و خانوادگی اثرگذارند. همچنین گل محمدی (۱۳۹۲) در کتاب «جهانی‌شدن، فرهنگ، هویت، استدلال می‌کند که در جوامع سنتی انسان‌هایی که در دنیای شکل یافته بافرهنگی معین قرار می‌گرفتند، خودبه‌خود و منفعلانه وارث هویت و نظام معنایی آماده و از پیش موجود می‌شوند. این توانایی چشم‌گیر فرهنگ در عرصه هویت‌سازی و معنا بخشی، در درجه نخست از پیوند تنگاتنگ فرهنگ با مکان و سرزمین ناشی می‌شود.

لذا با توجه به مسأله پژوهش و بر مبنای مبانی نظری و تجربی پژوهش، فرضیه‌های زیر مورد آزمون قرار خواهند گرفت:

۱- بین دین‌داری شهروندان تهرانی و فردگرایی عمودی یا خودخواهانه آنان رابطه معناداری وجود دارد.

۲- بین اعتقاد به نشان ملی (پرچم) شهروندان تهرانی و میزان فردگرایی عمودی یا خودخواهانه آنان رابطه معناداری وجود دارد.

روش

پژوهش حاضر از نظر هدف کاربردی و از نظر مکانی یک بررسی مقطعی است. همچنین این پژوهش از نظر کنترل شرایط پژوهش یک مطالعه پیمایشی (توصیفی - تحلیلی) هست و با مراجعه به اسناد و کتابخانه‌ها و سایت‌های اینترنتی، منابع و مطالب لازم کسب شده است. همچنین این بررسی از نظر شیوه گردآوری اطلاعات تحقیق توصیفی از نوع همبستگی است. از آنجاکه روش تحقیق و پژوهش ارتباط مستقیم و نزدیک با موضوع دارد، در این پژوهش از دو روش اسنادی و پیمایشی استفاده شده است. و از آنجاکه پرسشنامه پرکاربردترین تکنیک در گردآوری داده‌هاست، بنابراین در این تحقیق جهت گردآوری داده‌ها از پرسشنامه استفاده شده است. جامعه آماری این تحقیق کلیه شهروندان تهرانی است که دارای ۲۵ سال سن و بالاتر (۲۵ \geq سن) هستند. با مراجعه به نتایج سرشماری نفوس و مسکن سال ۱۳۹۵ تعداد افراد جامعه برابر ۶۰۷۶۸۴۴ نفر به دست آمد. روش نمونه‌گیری در این طرح نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای است. روش نمونه‌گیری خوشه‌ای، شیوه‌ای از انتخاب است که در آن واحد نمونه، بجای فرد خوشه‌ای از افراد است. با توجه به اینکه جمعیت مورد مطالعه این تحقیق در محدوده وسیعی پراکنده هستند (مناطق ۲۲ گانه شهر تهران)، سه منطقه: ۳، ۷، ۱۲ به صورت تصادفی به روش مذکور جهت نمونه انتخاب شده‌اند. همچنین با استفاده از فرمول کوکران تعداد افراد نمونه ۳۸۴ نفر برآورد گردید اما با توجه به بالا بودن تعداد افراد جامعه، جهت کاهش خطا تعداد افراد نمونه ۴۰۰ نفر در نظر گرفته شد.

یافته‌ها

ابتدا به بررسی نرمال بودن متغیرهای تحقیق می‌پردازیم:

جدول (۱): آزمون نرمال بودن فردگرایی عمودی یا خودخواهانه

متغیر	تعداد	آماره K-S	سطح معناداری
فردگرایی عمودی یا خودخواهانه	۴۰۰	۰/۳۲	۰/۷۱۷
دین‌داری	۴۰۰	۲/۳۸	۰/۰۹۷
نشان ملی	۴۰۰	۱/۸۵	۰/۱۱۷

با توجه به اینکه برای همه متغیرها سطح معناداری از ۰/۰۵ بزرگ‌تر شده است، لذا می‌توان گفت تمام متغیرها با اطمینان ۹۵ درصد از توزیع نرمال پیروی می‌کنند. بنابراین نتیجه می‌گیریم توزیع نمونه مناسب بوده و نمونه‌گیری به شکل صحیح انجام شده است. همچنین می‌توان از روش‌های پارامتریک جهت آزمودن فرضیه‌های مربوط به متغیرهای پژوهش استفاده نمود.

در ادامه باید میزان فردگرایی عمودی افراد جامعه را به دست آوریم که در زیر آمده است:

جدول (۲): آزمون تی تک نمونه‌ای

مقدار آزمون=۹۹				متغیر	
فاصله اطمینان	تفاوت میانگین‌ها	سطح معناداری	درجه آزادی	آماره t	فردگرایی عمودی
حد بالا	حد پایین	۱۳.۴۹۵	۰.۰۰۰	۳۹۹	۲۸.۰۸۸
۱۱۳.۷۹	۱۱۱.۲				

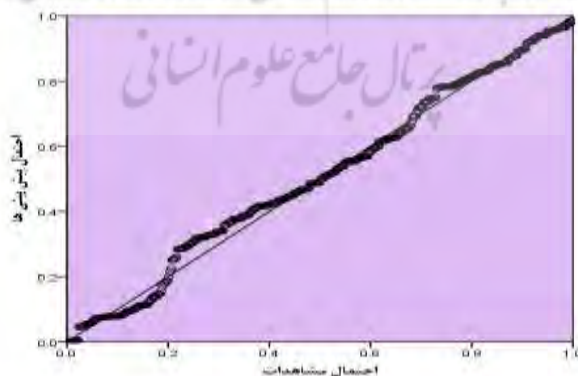
در جدول ۲، با توجه به اینکه سطح معناداری از ۰.۰۵ کمتر و $t_{(۳۹۹)} = ۲۸.۰۸۸$ شده است، بنابراین فرضیه پژوهشی پذیرفته می‌شود و می‌توان نتیجه گرفت میزان فردگرایی عمودی افراد جامعه بالا است. هم‌چنین متوسط نمره فردگرایی عمودی افراد جامعه در فاصله (۱۱۱/۲ و ۱۱۳/۷۹) قرار دارد و بیانگر این موضوع است که میزان فردگرایی عمودی در جامعه به‌شدت بالاست. برای بررسی میزان اثر جمعی متغیرهای مستقل بر میزان فردگرایی عمودی باید از رگرسیون چندگانه استفاده کنیم. به این منظور ابتدا به بررسی شروط رگرسیون می‌پردازیم:

جدول (۳): بررسی شاخص‌های رگرسیونی

شاخص‌ها	معیار Tolerance	معیار Vif	فاصله ماهالاتویس	فاصله کوک	دوربین-واتسون
مدل	-	-	۵.۶۰۹	۰.۲۰۲	۲
دین‌داری	۰.۹۹۱	۱.۰۰۹	-	-	-
نشان‌ملی (پرچم)	۰.۹۹۱	۱.۰۰۹	-	-	-

با توجه به نتایج جدول ۳ از آنجا که برای دو متغیر مستقل دین‌داری و نشان ملی (پرچم)، مقدار $Tolerance \geq 0.1$ و $Vif < 10$ شده است، بنابراین عدم وجود پدیده هم خطی تأیید می‌شود. با توجه به اینکه مقدار $Mahala = ۵۶.۰۹ < ۱۳.۸۲$ و $Cook = ۰.۳۰۳ < ۱$ شده بنابراین عدم وجود داده پرت تأیید می‌شود. هم‌چنین با توجه به اینکه مقدار آماره دوربین-واتسون برابر ۱/۸۹۲ شده که عددی بین (۲/۵-۱/۵) است، فرض ناهمبسته بودن خطاها پذیرفته می‌شود.

نمودار رگرسیونی استاندارد شده مانده‌ها برای متغیر فردگرایی عمودی با خود خواهانه



نمودار (۱): نرمال بودن مانده‌ها

بررسی اثر باورهای دینی - ملی بر فردگرایی عمودی (مورد مطالعه: ...)

جدول (۴): نرمال بودن مانده‌ها

متغیر	تعداد	آماره آزمون	سطح معناداری
مانده‌ها	۴۰۰	۰-۰۹۴	۰-۲۰۰

در نمودار ۱ با توجه به اینکه حباب‌ها تقریباً به خط واصل چسبیده‌اند، فرض نرمال بودن خطاها در مدل فعلی، تأیید می‌شود. همچنین در جدول ۴ با توجه به اینکه سطح معناداری از ۰/۰۵ بیشتر است فرض نرمال بودن مانده‌ها (خطاها) تأیید می‌شود.



نمودار (۲): ثابت بودن واریانس خطاها

نمودار ۲ با توجه به اینکه حباب‌ها الگوی نظام‌مندی (شکل قیفی) به خود نگرفته‌اند، بنابراین هر دو فرض ثابت بودن واریانس خطاها و معنادار بودن مدل خطی پذیرفته می‌شود. پس از بررسی شروط می‌بایست نتایج رگرسیون را مورد بررسی قرار دهیم. با توجه به اینکه تمام شروط برقرار هستند می‌توان تحلیل رگرسیون را انجام داد.

جدول (۵): خلاصه مدل

شاخص‌ها	ضریب همبستگی	ضریب تعیین	ضریب تعیین تعدیل شده	انحراف از برآورد
مدل	-۰-۲۲۵	۰-۵۲۵	۰-۵۱۵	۶۵۷-۵۶

در جدول ۵ ضریب همبستگی متغیر «میزان فردگرایی عمودی» با متغیرهای مستقل برابر ۰/۷۲۵- شده که مقدار بسیار بالایی است. همچنین با توجه به اینکه ضریب تعیین برابر ۰/۵۲۵ شده و عددی قابل قبول است، می‌توان نتیجه گرفت که به درستی به دنبال برآورد رفته‌ایم. این عدد نشان‌دهنده درصدی از تغییرات «میزان فردگرایی عمودی» است که توسط متغیرهای مستقل طرح تبیین می‌شود. به عبارت دیگر متغیرهای مستقل طرح یعنی دین‌داری و نشان ملی (پرچم)، به میزان ۵۲/۵ درصد از تغییرات متغیر «میزان فردگرایی عمودی» را تبیین می‌کنند و توضیح می‌دهند و ۴۷/۵ درصد باقی‌مانده مربوط به عوامل دیگر است که در طرح حضور ندارند.

جدول (۶): تحلیل مدل

مدل	مجموع توان دوم داده‌ها	درجه آزادی	میانگین توان دوم داده‌ها	آماره F	سطح معناداری
رگرسیون	۱۳۳۱۲۸۶.۷	۲	۶۱۵۶۴۳.۳۳	۱۴۲.۳۸	۰.۰۰۰
مانده‌ها	۲۰۷۵۴۶.۰۳	۳۹۸	۴۳۳۸.۳۵		
کل	۱۴۳۸۸۳۱.۷	۴۰۰			

با توجه به اینکه در جدول ۶ مقدار سطح معناداری کم‌تر از ۰/۰۵ شده و $F(۲ و ۳۹۸) = ۱۴۲.۳۸$ شده است، بنابراین در تأیید نتایج نمودار ثابت بودن واریانس خطاها، فرض معنادار بودن مدل خطی تأیید می‌شود.

جدول (۷): بررسی همبستگی‌ها

میزان فردگرایی عمودی				متغیرها
همبستگی				
Part	Partial	Zero-order	سطح معناداری	دین‌داری
-۰/۳۸۵	-۰/۳۸۵	-۰/۳۸۵	۰.۰۰۰	دین‌داری
۰.۴۵۶	۰.۴۵۶	۰.۴۵۶	۰.۰۰۰	نشان ملی (پرچم)

در جدول ۷، با توجه به اینکه سطح معناداری مربوط به متغیر «دین‌داری» و «میزان فردگرایی عمودی» از ۰/۰۵ کمتر شده است بنابراین رابطه معناداری بین متغیرهای «دین‌داری» و «میزان فردگرایی عمودی» وجود دارد. هم‌چنین با توجه به اینکه سطح معناداری مربوط به متغیر «نشان ملی (پرچم)» و «میزان فردگرایی عمودی» از ۰/۰۵ کمتر شده است بنابراین رابطه معناداری بین متغیرهای «نشان ملی (پرچم)» و «میزان فردگرایی عمودی» وجود دارد.

در ستون Zero-order، نتایج نشان می‌دهد از آنجاکه همبستگی بین «دین‌داری» و «میزان فردگرایی عمودی» برابر ۰/۳۸۵- شده است، همبستگی متوسط و معکوسی بین این دو متغیر وجود دارد. هم‌چنین نتایج نشان می‌دهد با توجه به اینکه همبستگی بین «نشان ملی (پرچم)» و «میزان فردگرایی عمودی» برابر ۰/۴۵۶- شده است، همبستگی متوسط و معکوسی بین این دو متغیر وجود دارد. در ستون Partial همبستگی بین «دین‌داری» و «میزان فردگرایی عمودی» با حذف اثر متغیر «نشان ملی (پرچم)» برابر ۰/۳۸۵- است و همبستگی بین «نشان ملی (پرچم)» و «میزان فردگرایی عمودی» با حذف اثر متغیر «دین‌داری» برابر ۰/۴۵۶- است.

در ستون Part با توجه به نتایج به دست آمده، متغیر «دین‌داری» به اندازه ۱۴/۸ درصد از تغییرات «میزان فردگرایی عمودی» را توضیح می‌دهد. هم‌چنین متغیر «نشان ملی (پرچم)» به اندازه ۲۰/۷ درصد از تغییرات «میزان فردگرایی عمودی» را توضیح می‌دهد.

بررسی اثر باورهای دینی - ملی بر فردگرایی عمودی (مورد مطالعه: ...)

جدول (۸): ضرایب مدل

سطح معناداری	آماره t	ضرایب استاندارد نشده		ضرایب رگرسیون استاندارد نشده		مدل
		ضریب Beta	خطای استاندارد	B	خطای استاندارد	
۰.۰۰۵	۰.۷۳۱			۸۷.۰۰۳	۴.۴۹۲	ضریب ثابت
۰.۰۰۰	-۸.۷۸۹	۰.۳۴۵	۰.۱۵۴	-۱.۱۳۰	۰.۱۵۴	دین‌داری
۰.۰۰۲۲	-۲.۴۴۴	۰.۱۶۰	۰.۱۱۴	-۱.۱۲۵۰	۰.۱۱۴	نشان ملی (پرچم)

در جدول ۸، با توجه به اینکه برای ضریب ثابت، «دین‌داری» و «نشان ملی (پرچم)» سطح معناداری کمتر از ۰/۰۵، شده است بنابراین هر سه ضریب معنادار هستند و در مدل باقی می‌مانند. با توجه به توضیحات بالا مدل استخراجی به شکل زیر خواهد بود:

$$(۸۷.۰۰۳) + (-۱.۲۵۰) \times \text{نشان ملی} + (-۱.۱۳۰) \times \text{دین‌داری} = \text{میزان عمودی فردگرایی}$$

مدل فوق بیانگر این موضوع است که میزان فردگرایی عمودی تحت تأثیر عوامل «دین‌داری» و «نشان ملی (پرچم)» است.

بحث و نتیجه‌گیری

فردگرایی به‌عنوان مفهومی مدرن از شاخصه‌های اصلی مدرنیته محسوب می‌شود و در مقابل جمع‌گرایی جامعه سنتی قرار می‌گیرد. در جامعه فردگرا، فرد مدرن توانایی‌های خاصی پیدا می‌کند، از جمله اینکه اجازه می‌یابد عقلانی‌تر عمل کرده و بسیاری از سنت‌های بسته‌بندی و یقینی قبلی را مورد تردید قرار دهد. توانایی دیگر، بازاندیشی در خصوص خویش و عرصه‌های مختلف زندگی خود، گزینش از بین تعدادی از بدیل‌ها و انتخاب جایگزین‌های مختلف و دسترسی به منابع متنوع و پراکنده است. بدین ترتیب همراه با فردگرایی و عقلانیت ملازم یا آن، بسیاری از ارزش‌های جامعه و از جمله ارزش‌های دینی از شکل یقینی خود خارج شده و مورد بازاندیشی قرار می‌گیرد. در چنین شرایطی و در صورت غلبه فردگرایی بر جمع‌گرایی می‌توان تغییراتی را در حوزه دین‌داری افراد جامعه و خصوصاً جوانان که مواجهه و درگیری بیشتری با عناصر مدرن دارند انتظار داشت. از طرفی نظریه پیکربندی الیاس روشن می‌سازد که اعتقاد به نشان ملی منجر به افزایش همبستگی اجتماعی می‌شود و نهایتاً تعامل اجتماعی را افزایش می‌دهد. مبتنی بر این اصل در نظریه الیاس بین اعتقاد به نشان ملی و فردگرایی خودخواهانه رابطه معناداری وجود دارد؛ یعنی هرچه سرمایه اعتقاد به نشان ملی افراد بیشتر باشد فردگرایی خودخواهانه آن‌ها کمتر است.

این پژوهش به‌منظور بررسی رابطه بین دین‌داری و نشان ملی با فردگرایی عمودی، گرایش‌های فردگرایانه افراد بالای ۲۵ ساله‌ی تهرانی را سنجیده و سپس رابطه میزان‌های مختلف آن را با ابعاد گوناگون دین‌داری و نشان ملی، مورد بازبینی قرار می‌دهد. یافته‌های پژوهش نشان داد که رابطه متغیر دین‌داری و فردگرایی عمودی معکوس و مقدار همبستگی برابر $-۰/۳۸۵$ و رابطه متغیر نشان ملی (پرچم)

و فردگرایی عمودی معکوس و مقدار همبستگی برابر $0/456-$ شده است. هم‌چنین همبستگی جمعی دو متغیر دین‌داری و نشان ملی (پرچم) با فردگرایی عمودی برابر $0/725-$ و ضریب تعیین برابر $0/525$ به دست آمد. به عبارت دیگر متغیرهای دین‌داری و نشان ملی (پرچم)، به میزان $52/5$ درصد از تغییرات متغیر «میزان فردگرایی عمودی» را تبیین می‌کنند. بنابراین هر دو متغیر «دین‌داری» و «نشان ملی» رابطه‌ی معکوس و معناداری با «فردگرایی خودخواهانه» دارند.

این حالت گویای وضعیتی است که در آن ارزش‌های متفاوت در زمانی واحد و در مکانی معین با یکدیگر همزیستی دارند یا به عبارت دیگر بیانگر موقعیتی بینابینی از سنت و مدرنیته هستند. بین مدرنیته‌ای که در حال استقرار است ولی کاملاً جذب و پذیرفته نشده و سنتی که مورد پذیرش است ولی دیگر هرگز در شکل نخستین خود تجدید نخواهد شد این حالت معادل مفهوم جامعه چند فرهنگی است که از طرف متفکرینی مانند گیدنز (به نقل از صبوری، ۱۳۹۷: ۵۵) و شایگان (به نقل از ولیانی، ۱۳۹۷: ۱۴). برای توضیح جوامع جدید به کار برده می‌شود. شایگان از این مفهوم برای توضیح تمدن‌های غیر غربی استفاده کرده و معتقد است که در وضعیت جدید الگوی شناخت مستقل و با قالب شناختی مسلطی در این گونه جوامع وجود ندارد. باینکه امواج پی‌درپی مدرنیته به محیط‌زیست اجتماعی این جوامع وارد شده‌اند اما شیوه‌های هستی غیر غربی نیز همچنان در آن‌ها به زندگی خود ادامه می‌دهند. بر این اساس می‌توان فردگرایی را به عنوان الگوی شناختی مسلط در عرصه دین‌داری و اعتقاد به نشان ملی در نظر گرفت.

در مورد رابطه بین نشان ملی و فردگرایی عمودی باید گفت با توجه به بالا بودن میزان فردگرایی و متعاقب آن پایین بودن میزان اعتقاد به نشان ملی، ساختار جامعه به گونه‌ای بوده که نتوانسته از مردم جلب اعتماد کند. به عبارتی زمینه بی‌اعتقادی نسبت به نشان ملی در بستر جامعه نهفته است و شرایط به وجود آمده در جامعه بستر بی‌اعتقادی نسبت به نشان ملی را فراهم کرده است. در نتیجه ضعف و نارسایی در ساختار نامناسب جامعه و عملکرد نهادهای موجود در آن، این بی‌اعتقادی را تشدید کرده است. در نتیجه بی‌اعتقادی نسبت به نشان ملی و فردگرایی عمودی در جامعه گسترش یافته، به گونه‌ای که فرد به دلیل وجود شرایط اجتماعی نامطلوب، هویت ملی خود را در جامعه مطلوب نمی‌بیند و در نتیجه از مشارکت در وظایف اجتماعی و همکاری در رشد و تعالی ارزش‌های اجتماعی کناره‌گیری کرده و نسبت به فردگرایی و نفع شخصی تمایل بیش‌تری پیدا می‌کند.

در مرحله بعد و در بررسی روابط بین فردگرایی عمودی و دین‌داری مشاهده شد که فردگرایی عمودی با دین‌داری رابطه دارد. به این معنا کسانی که فردگراتر هستند، حداقل در معنای سنتی آن افراد هستند که باورهای دینی کم‌تری دارند. از آنجاکه جهت‌گیری فردگرایانه عمودی پذیرای هنجارهای خودمداری، «منیت»، «کسب سود شخصی به قیمت متضرر شدن دیگران»، «داشتن شخصیت اقتدارگرا» و ... بوده و همواره بر پیروی از قوانین شخصی تأکید می‌کنند، با دین‌داری تضاد پیدا می‌کند.

دین در جامعه‌ای همانند جامعه ما در نقش یک الگوی مسلط اعتقادی، نگرشی و هنجاری ظاهر شده که دارای اعتقادات، مناسک و قوانین اجتماعی خاص خود است. در این صورت افراد فردگرا نسبت به ابعاد مختلف آن بی‌توجه هستند. چنان‌که افزایش فردگرایی باعث کاهش باورها و بعد مناسکی دین‌داری می‌شود. به‌رحال آنچه در این تحقیق مسلم است وجود رابطه معکوس دین‌داری و نشان ملی با فردگرایی عمودی است.

نتایج به‌دست‌آمده در این تحقیق، در زمینه مورد بررسی نیز در ارتباط با تحقیقات مشابه می‌تواند مورد ارزیابی واقع گردد. مرتضی فرهادی (۱۳۷۹)، در پژوهش خود در ارتباط با چون‌وچراهایی بر نظریه تک‌روی و فردگرایی تاریخی ایرانیان و به‌ویژه کشاورزان، به این نتیجه رسید که به دلیل شرایط طبیعی ایران، احتیاجات اقتصادی و اجتماعی و تأثیر مذهب در تقویت روحیه همکاری و تعاون و دگر خواهی را دلیلی برای وجود فرهنگ جمع‌گرایی ایرانیان دانسته‌اند (فرهادی، ۱۳۷۹: ۱۷۲-۱۸۵) که در نتیجه این پژوهش با پژوهش حاضر هم‌راستا هست. همچنین علیرضا دربندی (۱۳۸۵)، در پژوهش خود در ارتباط با بررسی رفتار و نگرش جمع‌گرایانه شهروندان تهرانی، به این نتیجه رسید که دین‌داری بر جمع‌گرایی مؤثر است، که در نتیجه این پژوهش با پژوهش حاضر هم‌راستا می‌باشد.

منابع:

- آشوری، داریوش. (۱۳۹۴). دانش‌نامه سیاسی فرهنگ اصطلاحات و مکتب‌های سیاسی، تهران: مروارید.
- الیاس، نوربرت. (۱۳۹۵). نوربرت الیاس و تحلیل تمدنی. ترجمه‌ی مهدی فرجی، تهران: انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- برگر، پیتر. (۱۳۹۷). سایبان مقدس (عناصر نظریه جامعه‌شناختی دین). ترجمه‌ی ابوالفضل مرشدی، تهران: نشر ثالث.
- پوگام، سرژ. (۱۳۹۵). جامعه‌شناسی رابطه اجتماعی، ترجمه‌ی عبدالحسین نیک‌گهر، تهران: هرمس.
- تریاندیس، هری. (۱۳۹۱). فرهنگ و رفتار اجتماعی، ترجمه‌ی نصرت فتی، تهران: نشر رسانش.
- خلیلی اردکانی، محمدعلی. معیدفر، سعید. ساعی، علی. (۱۳۹۲). جهانی شدن و تأثیر آن بر هویت قومی و ملی: مطالعه‌ی کردهای سنندج. فصلنامه مسائل اجتماعی ایران، جلد ۴ شماره ۱ صفحات ۹۱-۱۱۲.
- خواجه نوری، بیژن؛ پرنیان، لیلا؛ جعفری، مازیلا. (۱۳۹۲). مطالعه رابطه جهانی شدن فرهنگی با فردگرایی و جمع‌گرایی جوانان مورد مطالعه: شهر شیراز. فصلنامه جامعه‌شناسی کاربردی، سال بیست و چهارم شماره ۴ (پیاپی ۵۲).

- دربندی، علیرضا. (۱۳۸۵). بررسی رفتار و نگرش جمع گرایانه شهروندان تهرانی. پایان نامه کارشناسی ارشد، تربیت مدرس.
- دورکیم، امیل. (۱۳۹۶). درباره تقسیم کار اجتماعی. ترجمه‌ی باقر پرهام، تهران: نشر مرکز.
- رستگار، یاسر؛ ربانی، علی. (۱۳۹۲). تحلیلی بر وضعیت هویت ملی و ابعاد ششگانه آن در بین شهروندان شهر اصفهان، فصلنامه جامعه‌شناسی کاربردی، دوره ۲۴، شماره ۲، صفحه ۲۰-۱.
- ساروخانی، باقر. (۱۳۹۳). مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی خانواده. تهران: نشر سروش.
- شایگان، داریوش. (۱۳۹۷). افسون زدگی جدید، هویت چهل تکه و تفکر سیار. ترجمه‌ی فاطمه ولپانی، تهران: نشر فرزانه روز.
- فرهادی، مرتضی. (۱۳۷۹). چون و چراهایی بر نظریه تک‌روی و فردگرایی تاریخی ایرانیان و به‌ویژه کشاورزان. فصل‌نامه علوم اجتماعی، ش ۵، پاییز.
- کیویستو، پیر. (۱۳۹۷). اندیشه‌های بنیادی در جامعه‌شناسی. ترجمه‌ی منوچهر صبوری، تهران: نشر نی.
- گل محمدی، احمد. (۱۳۹۲). جهانی‌شدن، فرهنگ؛ هویت. تهران: نشر نی.
- گیدنز، آنتونی. (۱۳۹۷). جامعه‌شناسی گیدنز. ترجمه‌ی منوچهر صبوری، تهران: نشر نی.
- وبر، ماکس. (۱۳۹۴). دین قدرت جامعه، ترجمه‌ی احمد تدین، تهران: هرمس.

- Hofstede, G. (2003). Cultures & organizations, London: Profile books LTD.

- Triandis, H. C., McCusker, C., & Hui, C. H. (1990). Multimethod probes of individualism and collectivism. Journal of Personality and Social Psychology, 59, 1006-1020.